

دوره دوم زندگی امام (ره)

(از ۱۳۲۰ش - ۱۳۰۰)

این دوره از زندگی امام (ره) با هجرت به قم آغاز شده است، با سیاست‌های دین‌زدایی رضاخان و تا ۱۳۲۰ ادامه دارد، در این دوره امام (ره) مشغول تحصیل و تدریس و تألیف کتاب و آشنایی با علمای برجسته مبارزی همچون حاج آقا نورالله اصفهانی و مدرس و برخی دیگر است. در این دوره اختناق رضاخانی؛ هدف علما حفظ حوزه قم بود. اهمیت آن در آن زمان کمتر از تأسیس حکومت اسلامی در سال ۵۷ نبود.

دوره سوم (از ۱۳۴۰-۱۳۲۰)

این دوره از زندگی امام (ره) با ۴۰ سالگی آغاز می‌شود و مصادف است با دو حادثه مهم، یعنی بروز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، خروج رضاخان از ایران و آغاز سلطنت محمدرضا. بنابر اعتقاد امام، این زمان فرصت مناسبی برای قیام اصلاحی بود. با همه کوشش‌ها و اقدامات امام، قیام مورد نظر صورت نگرفت. امام در این دوره عالمی است کامل و جامع شرایط، رهبری است هوشیار با پشتوانه دانش و بینش سیاسی با کوله‌باری از تجربه دوران ۲۰ ساله رضاخانی که شناخت کاملی از اوضاع ایران و جهان دارد، لذا با صدور بیانیه‌ای در ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۶۳ق/۱۳۲۳ش زمان مناسب قیام را یادآوری می‌کند: امروز، روزی است که نسیم روحانی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرداست که مشتی هرزه‌گرد و شهوتران بر شما چیره و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند.

دوره چهارم زندگی امام (ره)

(از ۱۳۶۸-۱۳۴۰)

این دوره همزمان با دو حادثه ناگوار آغاز می‌شود یکی رحلت آیت‌الله بروجردی (۱۰ فروردین ۱۳۴۰) که ضایعه‌ای برای جهان اسلام و در عین حال رفع موانع برای دشمنان ایران و اسلام بود. دیگری رحلت آیت‌الله کاشانی قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس که روزگاری نامش لرزه بر اندام دشمنان ایران و اسلام می‌انداخت. همزمان با تسلط آمریکا بر امور مملکت، فشار بر رژیم برای اجرای اصلاحات آمریکایی افزایش یافت و در قالب

اصلاحات ارضی و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی با چشم‌اندازی ظاهراً مردم فریب رخ نمود ولی در باطن از اتحاد شومی خبر می‌داد و تسلط آمریکا و اسرائیل و عوامل آنها را بر کلیه شئون مملکت فراهم می‌کرد.

در این زمان امام (ره) در برابر اصلاحات آمریکایی به شدت ایستاد و رژیم شاه به تلافی، در دوم فروردین ۱۳۴۲ که مصادف بود با شهادت امام جعفر صادق(ع) به مدرسه فیضیه یورش برد. در این حادثه تعدادی شهید و مجروح شدند. امام در پیامی به مناسبت چهلیم فاجعه فیضیه دست به افشاگری زد: من مصمم هستم که از پای نشینم تا دستگاه

را به دنبال داشت. مراسم چهلیم شهدای ۱۹ دی قم به صورت پیامی در تبریز و اصفهان و یزد و شیراز و شهرهای دیگر ادامه یافت و به کشتار فاجعه ۱۷ شهریور ۵۷ منجر شد که فرار شاه و به دنبال آن ورود امام را به وطن نوید داد.

مردم در پی استقبال بی‌سابقه خود در بهشت زهرا(س) سخنرانی تاریخی امام خود را شنیدند و حکم سرنوشت‌ساز ایشان را در لغو حکومت نظامی در ۲۱ بهمن ۵۷ با جان دل گردن نهادند و در پیشگیری از حملات نیروهای رژیم، مناطق حساس را سنگربندی و در مدت ۲۴ ساعت مبارزه بی‌امان، طرح‌های کودتاچیان را نقش بر آب و هرگونه



فرصت را از آنها سلب کردند. و بالاخره پیروزی قیام ۱۵ خرداد در شب ۲۲ بهمن ۵۷ به گوش رسید. از صبحدم ۲۲ بهمن تا ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ (رحلت امام) حوادث سنگین بشمارای با محدودیت و نقش خصمانه آمریکا و حمایت همه جانبه دول غربی در مقابله با انقلاب اسلامی بروز کرد.

این حوادث آن قدر گسترده بود که در این مختصر نمی‌گنجد، فقط در یک جمله می‌توان گفت: هر کدام از آن حوادث به تنهایی می‌توانست مسیر انقلاب را منحرف کند و به شکست بکشاند، اما الطاف الهی و هوشمندی امام و وفاداری و آگاهی ملت ایران، تمام توطئه‌ها را خنثی کرد. در سال ۱۳۶۸، در حالی که ملت با پیکر مطهر امام راحل خویش پس از ۱۱ سال تحمل سختی‌ها و مشکلات وداع می‌کرد، جمعیت چندین برابر بیشتر از لحظه ورود بود.

فاسد را به جای خود بنشانم. امام نطق تاریخی خود را در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه ایراد کرد و شاه فرمان خاموش کردن فریاد امام را صادر کرد. در شامگاه ۱۴ خرداد امام دستگیر و به زندان قصر منتقل شد.

صبح ۱۵ خرداد خبر دستگیری امام به تهران و سایر شهرها رسید و مردم به خیابان‌ها ریخته با شعار «یا مرگ یا خمینی» به سوی کاخ شاه به حرکت درآمدند و قیام با شدت سرکوب شد و به خون نشست. قیام (۱۵ خرداد ۴۲) علی‌الظاهر با تبعید رهبر انقلاب به ترکیه و سپس عراق از جوشش و جنبش افتاد. واقعه مرموز شهادت آقا مصطفی فرزند امام در سال ۵۶ روح تازه‌ای به جنبش دمید. چاپ مقاله‌ای توهین‌آمیز به امام و روحانیت در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات اعتراض شدید جامعه مذهبی را برانگیخت و قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶